

لغزش های این تیمیه

لغزش های ابن تیمیه

ابن تیمیه را میتوان به عنوان پدر معنوی سلفیان تکفیری نام برد. وی علاوه بر نگرش تکفیری، دیدگاه خاصی هم نسبت به فضائل اهل بیت علیهم السلام داشت، به نحوی که به انکار این فضائل منجر گشت. دکتر محمود السید صبیح در همین زمینه در نقد ابن تیمیه کتابی با عنوان «اخطاء ابن تیمیه فی حق رسول الله و اهل بیه» تالیف کرد. در مقاله حاضر به برخی از مطالب این کتاب اشاره میگردد.

کتاب «اخطاء ابن تیمیه فی حق رسول الله و اهل بیه» نوشته دکتر محمود السید صبیح در سال 1423 ه.ق در کشور مصر منتشر شده؛ کتاب در 526 صفحه مشتمل بر یک مقدمه، 96 عنوان و یک خاتمه می باشد نویسنده با نگاه یک دانشمند اهل سنت به نقد دیدگاه های ابن تیمیه پرداخته و طبیعی است در مواردی نگاه او به مسائل با دید یک اندیشمند شیعی متفاوت است در عین حال به عنوان جدیدترین کاری که درباره ابن تیمیه صورت پذیرفته با نگاهی نو و تقریباً جامع تر از خیلی از نوشته ها در نوع خود می تواند نکات سودمندی برای مجامع علمی شیعی داشته باشد و دیدگاه های غیرقابل قبول نویسنده را می توان به نقد کشید.

در مقدمه به گفته های موافقان و مخالفان درباره ابن تیمیه می پردازد در نقل سخن موافقان ابن تیمیه می نویسد: از او به شیخ الاسلام، قطب صاحب نورمحمدی یاد کرده اند قبر ابن تیمیه را بزرگ داشتند کراماتی برای او ذکر کردند حال او را به پیامبر تشبیه کردند. در نقل سخنان مخالفان هم از افرادی نظیر ابن الرفعه، ابن الزمکلانی، صفی الدین الهمدی، ابن المرحل، تقی الدین سبکی و... نام

می برد. از برخی نقل می کند که گفته اند: «فی عقله شیئاً» و برخی دیگر علمه اکثر من عقله» و....

در بخش عناوین ضمن اشاره به همه عنوان ها که نکاتی را دربردارند برخی از آنها را همراه بخشی از مطالب آن ذکر می کنیم:

1 چگونه برای پیامبر اندوهگین نشویم
2 اشتباهات متعدد ابن تیمیه درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت زهرا علیها السلام و خلیفه اول.

در این بحث نقد ابن تیمیه درباره حزن حضرت فاطمه و خلیفه اول نسبت به پیامبر را ذکر می کند و این که ابن تیمیه معتقد است این اندوه برای امری است که از بین رفته و برنمی گردد و این نتیجه ضعف افراد است.

موءلف در پاسخ به ابن تیمیه بیان می کند آیا پیامبر که در وفات ابراهیم فرزندان اندوهگین شد نشانه ضعف بود؟

3 ابن تیمیه نمی داند که چه می گوید اگر می دانست (که چه می گوید) دانشمندان او را تکفیر می کردند.

4 فلسفه ابن تیمیه

- 5 نسبت های درست و غلط ابن تیمیه به حضرت فاطمه علیها السلام.
- 6 ابن تیمیه کمک خواستن از پیامبر در حال حیات و ممات را نفی می کند.
- موءلف از منهاج السنة نقل می کند که ابن تیمیه نوشته: پیامبر به ابن عباس گفت هنگامی که درخواست می کنی از خدا درخواست کن و هنگامی که کمک می جوئی از خدا کمک بخواه و نفرمود از من درخواست کن و نگفت از من کمک بخواه و خداوند فرموده «اذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب» نویسنده کتاب در نقد سخن ابن تیمیه این چنین ادامه می دهد: برای ما سنت پیامبر چه در گفتار و چه کردار حجت است و نه قول ابن تیمیه؛ مسلم در صحیح خود این روایت را از ربیع بن کعب اسلمی نقل می کند، شب همراه پیامبر استراحت می کند می گوید آنچه برای وضوء و چیزهای دیگر پیامبر نیاز داشت برای او آوردم پیامبر فرمود: (سل) درخواست کن؛ در بعضی از کتابهای حدیثی نظیر کتاب احمد، ابوداود، نسائی، و طبرانی آمده که (سلنی) از من بخواه؛ به پیامبر عرض کردم همراهی شما در بهشت پیامبر فرمود (ذلک) و در ادامه موءلف به تفسیر و تحلیل آنچه ابن تیمیه از ابن عباس نقل کرده می پردازد.
7. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فردی می گوید مرا کمک کن و به اصحابش می فرماید برادران را کمک کنید، اصحاب می گویند ما از رسول الله درخواست کمک می کردیم و ابن تیمیه و پیروان او کسانی که از پیامبر کمک بخواهند را تکفیر می کنند.
- 8 ابن تیمیه دوست دارد حضرت فاطمه علیها السلام را در آنچه که از درک آن عاجز است متهم کند.
9. ابن تیمیه منکر فضائل حضرت فاطمه (رضی الله عنها) است.
- ابن تیمیه در نقد علامه حلی می نویسد: آنچه که گفته همه از پیامبر نقل کرده اند که فرموده یا فاطمه ان الله يغضب لغضبک ویرضی لرضاک این دروغ علامه حلی است چون اولاً چنین چیزی از پیامبر نقل نشده؛ ثانیاً چنین چیزی در کتب معروف حدیثی دیده نشده ثالثاً روایت سند صحیح و حسن شناخته شده؛ از پیامبر ندارد؛ رابعاً کسی که خدا و رسول از او راضی باشند غضب هیچیک از مخلوقات هر کسی باشد برای او ضرری ندارد.
- نویسنده می نویسد: اولاً چه ضرری به ابن تیمیه می رسد اگر خداوند به خاطر غضب حضرت فاطمه علیها السلام غضب کند و به خاطر خوشنودی او خوشنود شود؛ این اصرار عجیب و غریب او در نفی چیست ثانیاً آیا ابن تیمیه از تمام مرویات پیامبر آگاه است ثالثاً برای روشن شدن اشتباه ابن تیمیه این روایت در عده ای از کتابهای حدیثی نظیر مستدرک حاکم تاریخ دمشق ابن عساکر، ذخائرالعقبی طبری، مجمع الزوائد هیثمی و... آمده است.
10. بی ادبی ابن تیمیه در تعلیقه بر دو حادثه ای که از حضرت فاطمه علیها السلام سرزنش است.
11. ابن تیمیه امت را به مهالک می کشاند.
12. ابن تیمیه سینه منافقان و زنادقه را خنک می کند.
13. خطای بزرگ ابن تیمیه بخشیده نمی شود مگر این که قبل از رحلت از آن توبه کند؛ خطایش این بود که غضب فاطمه علیها السلام را نسبت به [ابوبکر] صدیق به غضب منافقان تشبیه کرد.
14. آیا برای موءمنی صحیح است که حضرت فاطمه علیها السلام یا امام علی علیه السلام را به جهل متهم کند.
- به دنبال بحث از نکات ابن تیمیه می نویسد ای کاش اتباع ابن تیمیه به مقداری که از ابن تیمیه مدح می کنند از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام و صالحین مدح می کردند ولی در نگاه پیروان ابن تیمیه مدح پیامبر و اهل بیت علیهم السلام شرک است و مدح ابن تیمیه سنت است.
15. ابن تیمیه از پیامبر می کاهد و ادعا می کند پاداش عظیم برای همسران پیامبر نه به خاطر همسری پیامبر بلکه به خاطر تقوایشان می باشد.

16. ابن تیمیه از پیامبر می‌کاهد و ادعا می‌کند نزدیکی به پیامبر و نسب او فایده‌ای نداد. عبارت ابن تیمیه در منهاج این است که افضل خلق اولیاء متقی پیامبر هستند اما نزدیکان پیامبر در بینشان موءمن و کافر نیکوکار و بدکار وجود دارد اگر اقارب فاضل به پیامبر باشند نظیر علی‌علیه السلام جعفر حسن و حسین‌علیهم‌السلام برتریشان به واسطه ایمان و تقوایی است که در آنها وجود دارد و آنها به این اعتبار اولیاء هستند نه به مجرد نسب پس اولیاء پیامبر دارای درجه بیشتری از آل او می‌باشند.
- نویسنده ادامه می‌دهد که بنگر به مغالطات ابن تیمیه و آنچه در جان خود نسبت به پیامبر و آل او دارد در رد او می‌گوئیم.
- او می‌گوید اولیاءش برترند از آل او آیا آل پیامبر از اولیاء نیستند. (1)
- خدیجه همسر پیامبر یکی از چهار زن برتر جهان می‌باشد. فاطمه دختر پیامبر سید زنان اهل جنت است، حسن و حسین‌علیهم‌السلام دو سید جوانان بهشت می‌باشند و پدرشان برتر از آن دو است تمام اینها در احادیث صحیح اهل سنت و جماعت ثابت می‌باشند.
17. افکار خطرناک ابن تیمیه بین امت و پیامبر جدائی می‌افکند، ابن تیمیه ایمان کامل خدیجه (رضی الله عنها) را نفی می‌کند.
18. ابن تیمیه خدمت بزرگی به زنادقه و دشمنان دین و مستشرقین می‌کند در این‌که پیامبر را متهم می‌کند به اینکه در عایشه شک کرد.
19. ابن تیمیه طعن در دین امام علی‌علیه السلام می‌کند و حضرت را متهم می‌کند که هجرت به سوی خدا و رسول نکرد.
- موءلف ضمن بحث و نقد سخن ابن تیمیه می‌نویسد: ما در این مسأله جز سخن پیامبر نمی‌گوئیم که فرمود: «من اذی علیاً فقد آذانی» هر کسی به علی آزار رساند به من آزار رسانده است و دیگر سخن پیامبر که فرمود: چه چیز از علی می‌خواهید که علی از من است و من از علی هستم و او ولی هر موءمنی بعد از من است و من معتقدم سخنان اینگونه ابن تیمیه یکی از سببها بود که علماء زمانش حکم به نفاقش کردند.
20. دروغ ابن تیمیه بر امام علی بن ابیطالب صحابه و تابعین؛ نویسنده در ادامه بحث می‌نویسد: ابن تیمیه می‌گوید برخی از تابعین از امام علی کینه داشتند و به او سخنان زشت می‌گفتند. نویسنده می‌گوید: اسم طایفه‌ای از آنها را ببرد حق این است که اینها جز خوارج کسی دیگری نبودند و آیا خوارج سلف ابن تیمیه بودند.
21. ابن تیمیه ویژگی‌های امام علی‌علیه السلام را نفی می‌کند، سلسله مغالطات ابن تیمیه در حق امام علی‌علیه السلام.
- ابن تیمیه می‌نویسد: احادیث عقد برادری امام علی‌علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همه ساختگی هستند و پیامبر احدی را برای برادری انتخاب نکرد و همچنین بین مهاجر عقد اخوت جاری ساخت نه بین ابوبکر و عمر و نه بین انصاری با انصاری فقط هنگام ورود به مدینه عقد اخوت بین مهاجرین و انصار جاری ساخت و همچنین ابن تیمیه معتقد است حدیث من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه این هم در کتابهای اصلی حدیث جز ترمذی وجود ندارد و در ترمذی هم فقط همان قسمت نخست حدیث وجود دارد و ذیل حدیث وجود ندارد.
- موءلف در هر دو قسمت منابع حدیث را ذکر می‌کند مخصوصاً در قسمت دوم از کتاب‌های احمد بن حنبل، ابن حبان طبرانی، نسائی، ابن ابی شیبیه، ابن ابی عاصم، ابن ماجه ابویعلی حدیث را ذکر می‌کند.
22. آیا سخن پیامبر به امام علی‌علیه السلام که لا یحبک الموءمن ولا یبغضک الا منافق ابن تیمیه را ناراحت می‌کند.

ابن تیمیه می نویسد: کسی که در باره بعضی از صحابه اعتقاد غیرمطابق با واقع را معتقد باشد و گمان کند که آن صحابی کافر یا فاسق است و به این دلیل او را دشمن دارد او خود جاهل و ظالم است و این روشن می کند کذب آنچه از بعضی از صحابه نظیر جابر نقل می شود که ما منافقین را در زمان پیامبر به واسطه دشمنی آنها با امام علی علیه السلام می شناختیم چون خداوند در سوره توبه و غیر آن نشانه های منافقین و صفات آنها را ذکر کرده و در هیچیک بغض امام علی علیه السلام وجود ندارد.

مؤلف در متن کتاب از سلم نقل می کند که امام علی علیه السلام فرمود پیامبر به من فرمود که جز مؤمن مرا دوست ندارد و جز منافق مرا دشمن نمی دارد و در پاورقی هم عده ای دیگر از دانشمندان اهل سنت را ذکر می کند که روایت را نقل کرده اند نظیر احمد بن حنبل، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابن حبان، ابن ابی شیبیه و ابن ابی عاصم.

23. بعضی از سخنان ابن تیمیه درباره نقائص امام علی علیه السلام که همانها سبب حکم علمای معاصر ابن تیمیه به نفاق او شد.

24. طعن ابن تیمیه در خلافت امام علی علیه السلام و متهم کردن آن حضرت.

25. سقوط ابن تیمیه در کم کردن فضل و ارزش سید جوانان بهشت (امام حسن و امام حسین علیهما السلام).

26. سالم نماندن ابراهیم فرزند پیامبر از ملاکی که ابن تیمیه برای اهل بیت درست کرد؟

27. اصحاب ابن تیمیه بدون دلیل به او می گویند تو داناترین مردم هستی (و او) ساکت می شود اما او درباره سید جوانان بهشت می گوید اینکه آنها زاهدترین و دانشمندترین افراد در زمان خودشان باشند سخن بدون دلیل است.

28. خون امام حسین علیه السلام برای ابن تیمیه از ارزش چندانی برخوردار نیست مؤلف در ضمن بحث می گوید: عجیب از ابن تیمیه و ابن قیم است که ولو یکبار ویژگی امام حسین علیه السلام را که پیامبر فرمود: «حسین منی و انا منه» را ذکر نکرده اند.

29. ابن تیمیه اهل بیت را تنقیص می کند.

ابن تیمیه درباره اهل بیت می نویسد: ظهور آثار دیگران در امت عظیم تر از آثار آنان در بین امت است. در عبارت دیگری می نویسد: در بین دوازده نفر کسانی که از آنها مشهور به علم و دین هستند نظیر علی بن حسین و فرزندش ابی جعفر و فرزند او جعفر بن محمد در بین امت افراد فراوانی وجود دارند چه مانند ایشان و یا برتر از ایشان هستند و مسلمانان در دین و دنیا از افراد فراوانی چندین برابر سودی که از ایشان برده اند سود برده اند.

در عبارت سوم می نویسد: علی بن حسین و فرزندش و جعفر بن محمد و دیگران از پیشوایان اهل سنت و جماعت هستند بنابراین هر امام دارای علم و زهد که شیعه به او اقتداء کرده اهل سنت اقتدا کرده اند و به افراد دیگری که شریک اینها در علم و زهد بوده اند بلکه از آنها دانشمندتر و زاهدتر بوده اند هم اقتدا کرده اند.

مؤلف نقد سخن ابن تیمیه را با سخن ابوالمحاسن حنفی در کتاب معتصر المختصر شروع می کند که کسی که عترت پیامبر را از مکانتی که خداوند بر زبان پیامبر قرار داده و آنها را نظیر دیگرانی که از اهل بیت نیستند قرار دهد ملعون است. سپس می نویسد: کو آن کسانی را که ادعا می کنید از اهل بیت افضل هستند؟ در ادامه می نویسد: امام ما علی زین العابدین فرزند سیدالشهداست چنانچه حافظ ذهبی گفته است.

و از زهری نقل می کند که گفته: من قریشی برتر از علی بن حسین ندیدم و بیشتر هم نشینی من با او بوده و من فقیه تر از او کسی را ندیدم.

کسی به سعید بن مسیب گفت: من از فلانی پرهیزکارتر ندیدم، سعید به او گفت: علی بن

الحسین را دیده‌ای؟ گفت: نه، گفت: از علی بن الحسین پرهیزگارت ندیدم. در پایان نویسنده می‌نویسد: آیا خداوند ابن تیمیه را گواه گرفت که چه کسانی را اختیار کرده تا برای امت پیامبر مفید و سودمند باشند و آنها را به او نشان داد که ابن تیمیه این‌گونه بر فرزندان پیامبر که قرن‌ها قبل از تولد ابن تیمیه در بهشت بودند حکم کند، سبحانک هذا بهتان عظیم.

30. امت، علی بن الحسین را به زین‌العالدین توصیف کرده ابن تیمیه اراده کرده این وصف را سلب کند.

31. ابن تیمیه امام صادق علیه السلام را تنقیص می‌کند.

32. ابن تیمیه امام علی‌الرضا فرزند موسی الکاظم را که ابن حبان و ابن خزیمه از قبرش تبرک می‌جستند تنقیص می‌کند.

ابن تیمیه در منہاج می‌نویسد: این‌که ادعا شده او زاهدترین و داناترین مردم در زمان خودش بوده است سخن بی‌دلیل است. هر کسی که درباره شخصی غلو کند می‌تواند چنین ادعایی داشته باشد، مردم می‌دانند که در زمان او افرادی باسوادتر و زاهدتر از او بوده‌اند نظیر شافعی، اسحاق بن راهویه، احمد بن حنبل، اشتهب بن عبدالعزیز، ابوسلیمان دارانی و معروف کرخی و نظیر این‌ها و احدی از اهل علم از او حدیث اخذ نکرده و در کتب ششگانه حدیثی از او روایت نشده است.

مؤلف سخنان ابن تیمیه را در همه‌ی قسمت‌ها به نقد کشیده درباره‌ی زهد امام رضاعلیه السلام مهم‌ترین نکته‌ای که ذکر می‌کند طرد حکومتی است که مأمون به امام پیشنهاد می‌کند و حضرت رد می‌کند. (2)

از طرفی برخی از همین دانشمندان که ابن تیمیه برتر از امام می‌داند هنگام ورود امام به نیشابور افسار مرکب او را می‌کشیدند برخی دیگر از پیراهن آن حضرت تبرک می‌جستند. 33. پیشوایان سلف علی بن موسی الرضا را تعظیم و تکریم می‌کردند نظیر ابوزرعه رازی و ابن‌اسلم طوسی و تعداد بیشماری همراه آنها به امام متوسل می‌شدند تا برای آنها حدیث بگویند و ضمن نقل بیانات ائمه سلف حدیث سلسله‌الذهب را از طریق روات اهل سنت از امام رضا نقل می‌کند و عبارت ابونعیم را درباره حدیث سلسله‌الذهب امام رضاعلیه السلام نقل می‌کند که گفته‌ها حدیث ثابت مشهور بهذا الاسناد من رواية الطاهرين عن آبائهم الطيبين و بعد می‌نویسد: بعضی از سلف از محدثان می‌گفتند: اگر این اسناد بر مجنون خوانده شود بهبود می‌یابد.

34. تعظیم و بزرگداشت دانشمندان مسلمان و حاکمان آنها نسبت به امام رضاعلیه السلام بعد از وفات و تبرک جستن آنها به قبر آن حضرت.

35. آیا ابن تیمیه بر جهنم اشراق پیدا کرده تا یقین کند که آتش جهنم بر همه ذریه فاطمه حرام نشده است.

ابتداء عبارت ابن تیمیه را نقل می‌کند که نوشته: آتش بر همه ذریه فاطمه‌علیها السلام حرام نشده است، بعد می‌نویسد: چه زبانی به ابن تیمیه از ویژگی‌های ذریه فاطمه‌علیها السلام می‌رسد.

36. ای ابن تیمیه چه کسی از اهل بیت طاهر نیست.

37. ابن تیمیه از اهمیت اهل بیت و درود بر آنها می‌کاهد و نسبت به شافعی و احمد ادعای دروغ می‌کند.

38. ابن تیمیه درب را به روی کسانی که نمی‌خواهند بر پیامبر و اهل بیت درود بفرستند می‌گشاید.

39. خواری خون اهل بیت نزد ابن تیمیه.

40. زیارت قبر پیامبر و بعضی احکام درباره اهمیت دادن به قبور صالحان.
41. سخنان نورانی درباره زیارت قبر پیامبر و اهل الله که در قبرها هستند.
42. ادله زیارت قبر پیامبر .
43. ذکر اقوال کسانی که استدلال کرده‌اند به آیه «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك...» بر جواز زیارت قبر پیامبر و طلب استغفار از آن حضرت.
44. ابن تیمیه معتقد است کسی که پیامبر را در خواب می‌بیند در دینش ضعیف است و در او نفاق وجود دارد، جزو موءلفة قلوبهم می‌باشد.
45. ادعای ابن تیمیه بر اینکه شناخت قبر پیامبران هیچ فایده‌ای ندارد.
46. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زیارت قبر انبیاء ترغیب می‌کند.
47. پیامبر به شناخت قبر درستکاران ترغیب می‌کند.
48. رفتار مسلمانان و تبرک جستیشان.
49. دعا نزد قبر پیامبر.
50. دعاء صحابه (رضی الله عنهم) نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
51. تحقیق مذهب امام مالک در مسأله دعا نزد قبر پیامبر.
52. هنگام دعا در قبر پیامبر روبه‌روی حضرت بایستید.
53. ابن تیمیه ادعا می‌کند دعا نزد قبر پیامبر مستجاب نیست.
54. یکی از پیروان ابن تیمیه می‌گوید: پیامبر فوت کرده و عصایی که در دست گوینده است (العیاذ بالله) از پیامبر مفیدتر است.
55. رد قول ابن تیمیه که معتقد است صلوات نزد قبر پیامبر شرک و بدعت است توسط عمل سه نفر از صحابه که نزد قبر پیامبر نماز خواندند.
56. کعبه‌ای که پیامبر به او چیزی گفته که معنایش این است که خون مسلمان حرمتش شدیدتر است از مکه ابن تیمیه می‌پندارد از پیامبر برتر است.
57. همسایگی با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را (زندگی در کنار قبر پیامبر) ابن تیمیه بی‌ارزش می‌داند.
- نویسنده از برخی از اصحاب ابن تیمیه درباره قبر ابن تیمیه از کتاب العقود الدریه این اشعار را نقل می‌کند.
- قد اودع القبر الشریف علومه
عجباً لوسع القبر بحراً سائلاً
ومجاور قبر الامام موءملاً یا رب
واحمنا وکل شیخ صلی علیه او اتاه مقبلاً
من کان مسروراً به وبعلمه
من بعده فالحزن اضحی عاجلاً
- نویسنده ادامه می‌دهد: لاحول ولاقوة الا بالله قبر ابن تیمیه قبر شریف است زیارت قبر پیامبر حرام است. به جای مجاورت قبر پیامبر مجاور قبر ابن تیمیه شوید بعد سئوالی مطرح می‌کند که چه کسی چنین چیزی می‌گوید؟ پاسخ می‌دهد: عبدالهادی که در دفاع از ابن تیمیه کتابی بر رد شیخ الاسلام سبکی نوشت که سبکی کتابی بر رد ابن تیمیه نوشته بود.
- 58 آیا ابن تیمیه می‌خواهد مانع قبر پیامبر شود.
59. ابن تیمیه در مقام کم‌اهمیت جلوه دادن جواب سلام پیامبر به کسی که به آن حضرت سلام کند.
60. تحریف ابن تیمیه احادیث پیامبر را.

61. ابن تیمیه یک حدیث را یازده بار تحریف می‌کند.
این حدیث پیامبر را که فرموده ما من احد مر بقبر اخیه المؤمن کان یعرفه فی الدنیا فیسلم علیه الاعرفه و رد علیه السلام.
- نویسنده از کتاب‌های مختلف ابن تیمیه آدرس می‌دهد مجموع فتاوی و منهاج السنة و... که در یازده جا حدیث را تحریف کرده و اینگونه نقل کرده که فیسلم علیه اللہ الّردّ علیه روحه.
62. ابن تیمیه‌ای که یک بار لفظ (بل الرفیق الاعلی) را از قول پیامبر نقل نمی‌کند....
63. ابن‌کثیر اعتراف می‌کند به این‌که کسی‌که از زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محروم شود او جاهل است و ما می‌آوریم آنچه را که ابن تیمیه بدان گردن می‌نهد در این‌که زیارت قبر پیامبر حرام است.
64. دوستان پیامبر خود را از پیامبر و سلام بر او در نزد قبرش در همه حال بی‌نیاز نمی‌دانند و سخن ابن تیمیه غیر از این است.
65. ابن تیمیه خوش ندارد کسی پیامبر را زیارت کند و تصریح می‌کند به این‌که زیارت پیامبر فایده‌ای ندارد.
66. ابن تیمیه می‌خواهد تکذیب کند طلب صحابه باران را از پیامبر و نزد قبر آن حضرت و گمان برده که عاقلی چنین نمی‌کند که پنداشته سقف مسجد مانع نزول رحمت بر قبر است.
67. للعقلاء فقط وجود سقف یا دیوار مانع نزول رحمت نمی‌شود.
68. طلب باران از قبر صالحان کاری است که امت انجام می‌دهد.
69. ردّ سخن ابن تیمیه در منع طلب استغفار و توسّل و استغاثه و کمک خواستن نزد قبر پیامبر از آن حضرت
- بعد نویسنده از آیات قرآن و دیدگاه‌های اصحاب درباره آیات و سخنان مفسران، فقها، مورخان، محدثان و دیگران را در تأیید این دیدگاه ذکر می‌کند.
70. مسأله‌ی توسل
- در بحث توسل مباحث متعددی را مطرح کرده، از جمله از 52 نفر از محدثان و حافظان حدیث نقل می‌کند که به پیامبر متوسل شده‌اند؛ سپس از فقهای چهارگانه‌ی اهل سنت توسل به پیامبر را نقل می‌کند، سپس حدود 81 فقیه را نام می‌برد و در ادامه از 6 نفر از مفسران یاد می‌کند، سپس دوازده نفر از لغویین و سپس 19 نفر از مورخان که همگی توسل به پیامبر را قبول داشته‌اند را ذکر می‌کند.
71. صحابه الفاظی شدیدتر از الفاظ توسل گفتند؛ به پیامبر پناه می‌بردند، عایشه گفت: من به سوی خدا و رسولش توبه می‌کنم و گفت: اعوذ برسول الله، آیا امّ المؤمنین و صحابه مشرک شدند.
72. اصحاب ابن تیمیه ادعا می‌کنند که پیامبر در قبر چیزی از امور خود را نمی‌داند و نمی‌شنود.
73. شذوذی که از انصار ابن تیمیه در این زمان در صیغه تشهد واقع شده فراوان است.
74. ابن تیمیه ادّعا می‌کند کسی‌که در نزد قبر پیامبر بر او سلام کند و جواب سلام را بشنود کسی‌که جواب سلام می‌دهد شیطان است و پیامبر نیست.
75. دلیل بر دیدن پیامبر در بیداری با شنیدن کلام آن حضرت در این بحث نظر عده‌ای از عالمان مسلمان را می‌برد که معتقدند می‌توان پیامبر را در بیداری دید.
- نظیر ابن ابی حمزه، قرطبی، ابوحامد غزالی، ابن‌العربی المالکی الیافعی، عبدالقادر گیلانی، سیوطی، باقلانی، صدرالدین قونوی.
76. خداوند می‌فرماید «ومبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه احمد» (3) ابن تیمیه می‌گوید اسم محمد یا احمد در کتب اهل کتاب نیست و آنچه در اختیار اهل کتاب است تحریف نشده است.

77. ابن تیمیه ادعا می کند که پیامبر نمی تواند بین اهل حق و باطل تمیز دهد تا بخواهد بین منافقان و مؤمنان تمیز دهد.
78. ای پیروان ابن تیمیه، پیامبر قبل از بعثت مؤمن بود.
79. تفسیر ائمه مسلمانان از آیه «نحن نقص عليك احسن القصص...».
80. تفسیر سخن خداوند که فرمود ما کنت تدری ما الكتاب ولا الايمان.
81. سخن خداوند که فرمود «ووجدک ضالاً فهدی» دلالت نمی کند بر این که پیامبر مؤمن نبود.
82. ابن تیمیه می پندارد که نبوت موهبتی الهی نیست بلکه کسبی است.
83. مذهب ابن تیمیه این است که انبیا مصعوم نیستند، ابن تیمیه می گوشت اثبات کند پیامبر از گناه کاران بود.
84. بی ادبی ابن تیمیه هنگام سخن گفتن از پیامبر.
85. ابن تیمیه اشاره می کند به این که تنها پیامبر مستحق مقام محمود نیست.
86. ابن تیمیه منکر تقدّم پیامبری پیامبر بر همه انبیاء است.
87. انتخاب نظریات سلبی توسط ابن تیمیه، در اینجا مؤلف توضیح می دهد که هر متفکری به هر حال دارای دیدگاه های شاذ فردی است. ابن تیمیه در تمام این نکات شاذ به مسائل سلبی گرایش دارد از جمله آنچه در فصل بعدی ذکر می کند.
88. اسلام پدر و مادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.
89. اسلام قرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.
90. نزد احمد و اصحابش، کسی که تنقیص صحابه کند زندیق است.
- حکم های پیروان ابن تیمیه حکم تنقیص صحابه در نزد شما چیست.
91. ابن تیمیه عبدالله بن عمر و هر کسی که از آثار و پیامبر تبرک بجوید و نماز در آنها بگذارد را متهم می کند.
92. پیامبر در بیت لحم که حضرت عیسی متولد شده نماز خواند و ابن تیمیه می گوید هر کسی بیت لحم را زیارت کند و در آن نماز به جای آورد از شریعت اسلام خارج است.
93. پیامبر عبدالله بن عمر را متوجه می کند که از آثار انبیاء و جایگاه های نماز آنها پیروی کند.
94. نظرات علما درباره پیروی از آثار انبیاء.
95. ابن تیمیه دوست ندارد هیچ کسی از امت دنبال آثار پیامبر باشد و او را به شباهت به یهود متهم می کند.
96. آیا در حراء کسی غیر از رسول الله به عبادت می پرداختند؟ آیا ابن تیمیه می داند که چه می گوید؟ گویا ابن تیمیه می خواهد هر اثری از پیامبر را از بین ببرد.
- حتی غار حراء که شرافت یافت به نزول قرآن و شریف ترین رسالت از دست ابن تیمیه رهایی نیافت. در خاتمه بیان می کند: ذکر کردیم برخی از مسائلی که ابن تیمیه ادعای اتفاق امت بر آنها کرده و به فضل خداوند به مبارزه می طلبیم پیروان ابن تیمیه را آنچنان که او ادعا کرده به آوردن اجماع امت از نوشته های کسانی که قبل از ابن تیمیه متولد شدند و فوت کردند، سپس دوازده مسئله را ذکر می کند که ابن تیمیه ادعای اجماع امت نموده است
- اگر دیدگاهی نظیر اشعری که قائل به کسب می شود به هر حال نه جبر را می پذیرد و نه تفویض را و به نظر او هر دو مشکل دارند. با توجه به این دیدگاه ها چرا باید یکطرف مورد حمله قرار گیرند در حالی که هر کدام را به نحوی می توان توجیه کرد.
- یک بحثی ناتمام طرح می کنیم که عبارت است از بحث دو تن از متفکران شیعه، محقق همدانی و امام خمینی که اساساً بحث در بین امر بین را از مباحث دقیق می دانند که به هر حال نمی توان حکم به نجاست کرد؛ چون از مباحث دقیق است و اساساً در دام یکی از دو طرف

سقوط می کنند....

اولین آنها درباره ی آیه «و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاووءک فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول» ابن تیمیه ادعا می کند اجماع صحابه و تابعین و سائر مسلمین این است که احدی از آنها بعد از فوت پیامبر شفاعت پیامبر را درخواست نکرده است و از پیامبر چیزی درخواست نکرده اند و هیچیک از پیشوایان مسلمین چنین چیزی در کتابهایشان ذکر کرده اند. دوازدهمی درباره ی روایت «ان فاطمة لحصنت فرجها فحرم الله ذریتها علی النار ذکر کونه هو کذب باتفاق اهل المعرفة بالحديث».

والسلام

پی نوشت:

به نظر می رسد نقد در اینجا بر ابن تیمیه وارد نیست چون او خود تصریح می کند که امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام از اولیاء هستند و برتری آنها هم به خاطر همین است.

در نگاه دانشمندان شیعه اولاً حکومت منافات با زهد ندارد نظیر امام علی علیه السلام که پذیرش حکومت توسط آن حضرت منافاتی با زهد نداشت ثانیاً دلائل دیگری برای نپذیرفتن وجود داشت.

سوره صف، آیه 6.

3.